

برای بیکم هنرمند

چنان زهر کدم
که زفته است ز مادام
که بپریم و بپریم

چو در کف دستم
مخفی دیدار

برای نقره سی مادام
و تا فتم سراندم

به درودت گودکی دهوانی
(به سر زین دل افروز از زوتندی)

وزود برگزینم

به آستانه ای که نیست
که برگردان دست درینده

کنون به عمر گذریده

بمراک منم فرمودی

ببینم چه ما خنده

خوش خنده

و شادمانی دیدار ای آینه

+ + +

سن ۱۳۶۵
۱۹۹۹